

مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی مبارزه با یک ایده است

مبارزه با اسرائیل مبارزه با یک قوم، دین، ملت یا قدرت سیاسی نیست، بلکه مبارزه با یک ایده تمدنی است؛ ایده ای که ناچار شده باطن خود را در قامت رفتارهای صهیونیست ها بروز دهد.

به گزارش سایت خبری پرسون، عبارات «دفاع از حرم» و «مدافعان حرم»، دو عبارت عزت و اقتدارآفرین و سراسر عظمت و نور و تعالی هستند که از اوایل دهه ۹۰ پرتکرار شدند و سرنوشت منطقه و جهان را به نفع جناح اسلام و محور مقاومت تغییر دادند. تعداد شهدا و جانبازان مدافع حرم در جمهوری اسلامی ایران بیش از هفت هزار نفر است.

علاوه بر ایران، کشورها و قومیت‌های مختلف نیز مدافع حرم دارند. عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان و حتی فلسطین و جمهوری آذربایجان و از اهل سنت و مسیحیان مدافعان حرم داریم که قهرمانانه از حریم‌های مقدس دفاع و در پیروزیها و حماسه‌آفرینی‌های محور مقاومت نقش‌آفرینی کرده‌اند و هنوزم که هنوز است در معادلات منطقه و جهان تأثیرگذارند و در سنگرها و عرصه‌های جدیدی مشغول مبارزه با رژیم صهیونیستی هستند.

مهدی افراز نویسنده و پژوهشگر به همین بهانه یادداشتی نوشته که برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفته است.

در این یادداشت آمده است؛

با اوج گرفتن تحولات سوریه در اوایل دهه ۹۰ و اضطراب به ورود حزب الله لبنان در عرصه درگیری، فصل متفاوت و بدیعی از شهادت برای جامعه لبنان شکل گرفت. ایده پردازی حزب الله برای معرفی این شهدا و توجیه حضور خود در این معرکه، استفاده از تعبیر مدافع حرم بر روی قبور مطهر شهیدانش بود. ایده ای که در ظرف اقتضائات آن روز جامعه لبنان بسیار هوشمندانه، حکیمانه و روشینانه بود. همزمان با رسانه ای شدن حضور نظامی ایران در سوریه و اسارت و شهادت برخی از نیروهای ایرانی، پرسشی به سرعت در جامعه شکل گرفت که "مسأله منازعات داخلی سوریه چه ارتباطی به ما دارد؟! " آن روزها، سامانه ادراک ساز ایرانی تلاش کرد با الگوبرداری از دوستان حزب الله، منطق و فلسفه حضور ایرانیان در غائله شام را ذیل ادبیات «دفاع از حرم» توضیح دهد.

با وجود همه مزیت هایی که در منطق دفاع از حرم وجود داشت که به درستی می توانست تقدس بخش و توجیه گر بخشی از ادله حضور ما در ۱۰۰۰ کیلومتر فراسوی مرزهایمان باشد اما به طور کلی بیشتر، نقش مسکوت گذاشتن و از کنار واقعیت گذاشتن داشت. تکیه بر این ادبیات موجب شد تا در کنار سؤال پیشین ده ها پرسش بی پاسخ دیگر هم زائیده شود و بعدها کنایه زده شود که «آیا در یمن هم حرمی وجود دارد که ما خبر نداریم؟!». این ابهام تا حدی برجستگی پیدا کرد که فرمانده اصلی این میدان، شهید سلیمانی در آخرین گفتگوی خود با جامعه ایران - یعنی وصیتنامه اش- تلاش کرد تا از طریق توسعه در معنای حرم و القای این گزاره که «جمهوری اسلامی حرم است» به نحو فعالانه تری ذهن ایران را با سیاست های مقاومت همراه کند.

حالا و پس از حوادث ۷ اکتبر، ابهامات انباشته در دوره های گذشته مجدداً در میدان شناختی ایران به نحو جدی تری فعال شده است. این بار و با به میدان کشیده شدن جغرافیای ایران در صحنه درگیری پرسش از «چرایی دخالت ایران در مناقشه فلسطین» به صورت علنی تر و شاید خشن تری در حال مطرح شدن است. طی یکسال گذشته، جریانات و شخصیت های گفتارپرداز ایرانی در پاسخ به این نیاز و برای تبیین "منطق رفتار منطقه ای جمهوری اسلامی" تلاش های قابل توجهی به خرج داده اند که مجموع این تکاپوی راهبردی را در قالب ده روایت کلی می توان صورت بندی کرد؛

روایت اول: «آزادسازی قدس»؛ قدس قبله اول مسلمین و مکان به معراج رفتن نبی مکرم ص بوده است. مسجد الاقصی نه یک معبد عادی که یک موقعیت هویت بخش برای امت اسلامی است، با اشغال شدن این منطقه توسط صهیونیست ها عملاً مسلمین مورد هجمه هویتی قرار گرفته اند و ما و همه امت موظف به تلاش و مجاهدت برای آزادسازی قدس شریف می باشیم.

روایت دوم: «مقدمه سازی ظهور، آخرالزمان و کلید رمزآلود فرج» ؛ بسیاری از روایات مرتبط با ظهور حضرت حجت عج حاکی از این واقعیت است که یکی از اضلاع برای زمینه سازی ظهور، شکست یهود از ایرانیان است. طبق گزارش قرآن یهود دوبار در روی زمین فساد می کند و افرادی برای ازاله یهود از طرف خداوند مبعوث می شوند که به گواه برخی روایات آن قوم که خداوند در مرحله دوم علیه یهودیان برمی انگیزد، به یاران آخرالزمانی امام زمان عج و و به اینکه آنان اهل قم و کسانی هستند که خداوند آنها را قبل از ظهور حضرت برمی انگیزد، تأویل شده است. لذا از بین بردن رژیم صهیونیستی یکی از مراحل جدی برای مقدمه سازی ظهور بوده و فلسفه آخرالزمانی این درگیری در بسیاری از فیلم های هالیوودی همچون آرمادگدون بازنمایی شده و در ادبیات امروز سران اسرائیل هم انعکاس یافته است.

روایت سوم: «دفاع از مردم مظلوم و زنان و کودکان بی دفاع فلسطین»؛ تجاوز گری غیرقانونی اسرائیل در اشغال سرزمین ها و اقدامات وحشیانه این رژیم در کشتار دسته جمعی، تبدیل بیمارستان ها و مدارس به هدف مشروع، زنده زنده سوزاندن انسان ها، تحمیل محاصره غذایی - دارویی و تبدیل غزه، ضاحیه و ... به گورستان، هر انسان با شرافت و هر دولت مستقلی را وامی دارد که در کنار این مردم مظلوم بایستد و تلاش نماید که فلسطینیان به

حق مشروع خود برای بازپس گیری سرزمین شان دست یابند.

روایت چهارم: «مبارزه با جهان استعماری و سرمایه داری»؛ حیات اقتصادی مدرن علی الخصوص پساجنگ دوم پیوند ناگسستنی با رفتار یهودیان دارد. فلسفه وجود یک کشور یهودی در قلب خاورمیانه طرح استعماری غرب برای توجیه حضور فیزیکی در غرب آسیا و ایجاد یک بستر رسمی برای به یغما بردن منابع انرژی منطقه و تبدیل جوامع اسلامی به بازار مصرف کالاهای غربی است. از این جهت موجودیت اسرائیل مستقیماً به حیات اقتصادی جریان سرمایه داری در جهان گره خورده است.

کشورهای مستقل و آزادی خواه برای خارج کردن سرنوشت خود از زیر هژمونی استعمار ناگزیر از مقابله و درگیری با جهان خواران هستند و بایستی پذیرای هزینه های ناشی از این جدال باشند.

روایت پنجم: «بازدارندگی نظامی و دکترین امنیت و دفاعی»؛ دکترین نظامی جمهوری اسلامی از یک طرف مبتنی بر بازدارندگی فعال در مقابل تهدیدهای مستمر اسرائیل و از سوی دیگر تلاش برای جلوگیری از درگیری نظامی با آمریکا بوده است. لذا راهبرد امنیتی ما برپایه کشاندن مرزهای خود در مرزهای رژیم صهیونیستی و ایجاد نیروهای بازدارنده با عنوان جبهه مقاومت بوده است. سیاست حمایت از مقاومت در منطقه کاملاً با منطق موجود بر منافع ملی تطابق دارد و این جهت گیری در رفتار امنیتی بسیاری از قدرت های دنیا چون چین، آمریکا و روسیه نیز وجود دارد. وجود جبهه های مقاومت موجب شده است، جمهوری اسلامی این توان را داشته باشد تا در برهه های مختلف از بحران آفرینی برای اسرائیل، به عنوان یکی از ابزارهای فشار بر غرب و آمریکا استفاده نماید. در نتیجه سرمایه گذاری و صرف هزینه برای دفاع از نیروهای مقاومت در منطقه موجب دورنگاه داشتن ایران از جنگ و بحران شده است.

روایت ششم: «جنگ تاریخی یهود و اسلام، فرزندان اسحاق و اسماعیل»؛ یهود به جهت انگاره های جهان شمول خود از ابتدای تولد پیامبر اسلام و بعثت ایشان به دنبال ضربه زدن به ارکان اسلامی و ترور کردن شخصیت های بزرگ آن بوده اند. یهود در تمامی مقاطع حساس تاریخ همچون سقیفه و عاشورا در صحنه حاضر و از بازیگران اصلی بوده است. هیچ قوم و نژادی به اندازه یهود از اسلام کینه ندارد و این عداوت به دلیل انتقال عنوان قوم برگزیده از بنی اسرائیل به مسلمانان بوده است. یهود هیچ گاه به طور کامل از مسلمانان راضی نمی شود تا به طور کامل به تبعیت آن ها دربیاییم. یهود دشمن ترین مردم نسبت به مسلمانان است و لذا درگیری اسلام و یهود در تمام تاریخ امتداد داشته و یهود با بهره گیری از همه قوای انسی و جنی به دنبال ریشه کن کردن امت اسلامی است. به این جهت ضروری است تا برای تداوم بخشی به این نبرد ما نیز با قوت در این میدان حضور داشته باشیم و جهان اسلام را از فتنه گری های یهود نجات دهیم.

روایت هفتم: «نظم نوین جهانی و تغییرات ژئوپلیتیکی»؛ ایالات متحده آمریکا از نظر ژئوپلیتیکی، نظامی، مالی و اقتصادی در حال نزول است. شاخصهای اقتدار آمریکا در دنیا رو به تنزل است و در نتیجه نظام تک قطبی برآمده از دوران جنگ دوم در حال گذار به نظم جدیدی است. یکی از ارکان این نظم جدید انتقال قدرت از غرب به شرق است لذا وضعیت خاورمیانه نقش کلیدی در وضعیت آینده خواهد داشت. شرقی که اکنون به رهبری چین، روسیه و ایران به مدل های اقتصادی جدیدی وابسته شده است، این مدل های جدید موقعیت این کشورها در عرصه بین الملل را تغییر خواهد داد. کاهش نقش ایالات متحده در منطقه به عنوان بازیگر اصلی در عرصه بین المللی و خروج آن از مهم ترین روندهای کلی نظم نوین بین المللی و از اولین نشانه های این تغییر و جابجایی قدرت است. لذا یکی از مهم ترین پیشران های برای نقش آفرینی فعال در دوران گذار و گرفتن سهم بیشتر در نظم نوین جهان، توسعه میدان درگیری با آمریکا در منطقه از طریق فعال سازی و حمایت از گروه های مقاومت می باشد.

روایت هشتم: «امکان امت سازی»؛ ایده اسلامی از مسیرهای گوناگون می&lr؛خواهد مسلمین به یک نظم مطلوب که همان امت واحده است دست پیدا کند و در این راستا با سرزمین و مرز جغرافیایی که با طرح های استعماری همچون دولت - ملت مدرن ایجاد شده، مخالف است، بلکه می&lr؛خواهد هر فردی در هر کجای دنیا زندگی می&lr؛کند به این وحدت برسد. افرادی که در سرزمین&lr؛های مختلف زندگی می&lr؛کنند باید دردمند یکدیگر بوده و با وحدت کلمه، حامی و پشت و پناه یکدیگر باشند. در این بین مسأله فلسطین بهترین فرصت برای پیگیری پروژه امت سازی است. فلسطین موضوعی است که ماهیتی فرامذهبی یافته، با منافع کلیت جهان اسلام گره خورده و لذا راهبرد دفاع از مقاومت فلسطین قدرت اجماع سازی میان توده ها و نخبگان در کشورهای مختلف اسلامی را داراست.

روایت نهم: «نبرد تمدنی با غرب و دنیای آمریکایی»؛ اسرائیل جلوه ای تمام نما از ارزش های آمریکایی و زیرساخت های تمدنی غرب است. اسرائیل زاینده تمدن سرکش مادی و نتیجه حتمی مبانی تمدن غربی و طغیان خودخواهانه بشری است که در پایان قرون وسطا بر پایه انکار خدا و ارزش ها بنا گذاشته شد و این، طغیان در ستمگری بود تا بدانجا که آسایش وجدان دروغین او با دست یازیدن بر دیگر ملت ها حاصل می شد. رژیم اسرائیل نماد کامل این تمدن از نظر انحصارطلبی و بهره کشی و تفرقه افکنی نژادپرستانه و تعصب های دینی و ستمگری و اشغالگری و سنگدلی است.

مبارزه با اسرائیل مبارزه با یک قوم، دین، ملت یا قدرت سیاسی نیست، مبارزه با اسرائیل مبارزه با یک ایده تمدنی است، ایده ای که ناچار شده است باطن خود را در قامت سیاست ها و رفتارهای صهیونیست ها بروز بدهد.

روایت دهم: «عمل به وصیت امام خمینی برای انجام فریضه دینی»؛ پرداختن به مسأله فلسطین یکی از مسلمات مکتب امام خمینی ره است. امام از ابتدای آغاز دوران مبارزاتی شان علیه رژیم پهلوی تا زمان نگارش وصیت نامه اش نگاهی مستمر به این مسئله داشت. امام از ما خواست تا نابودی کامل اسرائیل نباید دست از مبارزه برداریم، اسرائیل را امام غده سرطانی نامید که باید از صفحه روزگار محو شود. امام پایه گذار سنتی با عنوان روز جهانی قدس بود و از تمام ملتها خواست که قیام کنند و این جرثومه های فساد را به زباله دانا بریزند. امام به ما وصیت کرد که ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین و بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود و به برادران فلسطینی خود توصیه می کنیم که راه خدا یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند. ملت بزرگ و بسیجیان مؤمن و فداکار ما دفاع از فلسطین را فریضه ای دینی می شمارند و در راه خدا هیچ هدفی را دست نیافتنی نمی دانند.

همه این روایت ها در عین واقعی و مؤثر بودن اما تا کنون قدرت اجماع آفرینی در ایران را پیدا نکرده اند، این ها می توانند مکملی برای یک روایت معیار باشند. در صورت فقدان روایت معیار، روایت های پیرامونی یا مکمل برای تبیین منطق مقاومت، به خوبی معنادار نشده و صرفاً همراه کننده بخش های محدودی از طبقات جامعه هستند. روایت های مکمل قابلیت پذیرش فراگیر ندارند، قطعی الوقوع نبوده و می توانند در شرایطی نقض شوند. وقتی ما دهه ها با تکیه بر گفتمان حمایت از مظلوم پیش می رویم ولی یکباره مظلوم حمله ور می شود و طوفان الاقصی می آفریند و اسیر و کشته می گیرد ناگهان ذهنیت ها مغشوش می شود. زمانی که با منطق بازدارندگی و توسعه مرزها استدلال می کنیم و یکباره تکنولوژی های نظامی مرزها را بی معنا می کند، دچار انفعال می شویم. وقتی تبیین های خود را بر جنگ تاریخی فرزندان اسحاق و اسماعیل متمرکز می کنیم و نظاره می کنیم که چطور سران کشورهای اسلامی ذیل طرح صلح ابراهیم - پدر مشترک- به دنبال عادی سازی روابط با رژیم هستند، منزوی می شویم. در شرایطی که با تکیه بر اخبار آخرالزمانی تلاش می کنیم دل ها را آماده نگاه داریم و در اعتبار آن ها تردید می شود، دستان خالی می شود. هنگامی که هدف را آزادی قدس شریف اعلام می کنیم و خبردار می شویم که ما با طرح دو کشوری که قدس را به مسلمانان برمی گرداند هم مخالف هستیم، دهانمان بسته می شود. در زمانه ای که دول اسلامی در پشت و روی صحنه حامی و نجات بخش اسرائیل بوده و ملل اسلامی هم با جمعیت های میلیونی مشغول برگزاری کنسرت و فستیوال رقاصی هستند، مطرح کردن ایده امت سازی خیلی بلندپروازانه به نظر می رسد و ...

اما کدام توصیف می تواند برای بیان منطق مقاومت روایت معیار باشد؟ به نظر می رسد همان روایتی که بعد از یک تجربه تاریخی، امروز برای مردم غزه عینیت یافته و ظرفیت پذیرش هزینه های ناباورانه را فراهم آورده، برای ما نیز می تواند به عنوان روایت معیار عمل نماید و آن روایت "مقاومت و زندگی" است. زندگی و آینده بدون مقاومت در برابر سیاست های آمریکا امکان پذیر نمی باشد، "ما مقاومت می کنیم پس هستیم". پیشرفت ایران و آینده ایران و حفظ موجودیت ایران بدون مبارزه با آمریکا در منطقه ممکن نیست. اسرائیل مهم ترین پایگاه نظامی آمریکاست، اسرائیل ارتشی است که برای آن کشوری درست شده و نقش این ارتش نابودی ماست. اگر ما خواهان رشد، پیشرفت، توسعه و آینده هستیم باید به صورت عمومی و فراگیر در جریان مقاومت مشارکت داشته باشیم و هیچ راه دیگری نیز وجود ندارد. مقاومت ایده ای برای ساختن زندگی است، مقاومت اساساً زمانی آغاز می شود که در کشاکش غرب آسیا ما اراده ای برای ساختن زندگی به میدان آورده باشیم. روایت مقاومت و زندگی، واقعی ترین توصیف از وضعیت امروز ما و اسرائیل است. اگر این روایت محور تبیین منطق مقاومت باشد سایر روایت هم نیز می تواند برای طبقات و سلیقه های مختلف انگیزه سازی نماید. در دهه ۹۰ روایت دفاع از حرم نیز در عین این که توضیح دهنده ضلعی از موقعیت ما بود اما نمی توانست برای همیشه و همه جا تبیین گر فلسفه سیاست های منطقه ای ما و حضور پرهزینه مان در شامات باشد.

مراجعه به تجربه گفتمان مدافعان حرم باید ما را به نتیجه رسانده باشد که وقتی در طرح روایت معیار موفق نباشیم، سایر تبیین ها بیشتر به صورت بهانه یا ابزار توجیه خوانش می شوند و حتی می توانند به ضد خود نیز مبدل گردند.